**امام هادی (علیه السلام) و جلوه‏ های غدیر**

نویسنده: عباس کوثری

**و لقد انزل‏الله تعالی فیک من قبل و هم کارهون.... «انماولیکم ‏الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یوتون‏الزکاه و هم راکعون.**»

**«از زیارتنامه امیرالمومنین (ع) در روز غدیر»**

روز غدیر، عید ولایت و یادآور امامت راستین و فضیلت های متعالی ‏امیر مومنان علی (ع) است. معصومان (ع) یادآوران این روز بزرگ بودند و با الهام از آیه شریف «و ذکرهم بایام‏ الله‏» منزلت و جلالت ‏غدیر را گرامی داشته، فرمان هایی جهت ارج نهادن به آن فراراه ‏دلدادگان و سرخوشان باده ولایت قرار داده‏اند. یکی از جلوه‏ های‏ زیبای بزرگداشت غدیر در زیارت مخصوص امام علی (ع) در روز غدیر مشاهده می‏شود. کلمات آن زیارت، زمزمه روح نواز امام هادی (ع) است‏ و تاریخ صدور آن سالی است که معتصم خلیفه عباسی آن حضرت را به‏ بغداد احضار کرد. در این موقعیت، حضرت به زیارت‏ امیرمومنان (ع) شتافت؛ حدیث دلبری و یادمان ارزشهای راستین را تجلی دیگر بخشید و میراث ماندگاری از شکوه ولایت در خاطره ‏ها به ‏یادگار گذاشت.
در زمینه اتقان سند و استحکام صدور آن صاحب «هدیه‏ الزائرین‏» می‏نویسد:
«شیخ جلیل محمد بن المشهدی یکی از بزرگان علما است. در مزار کبیر برای این زیارت شریفه سند بسیار معتبری ذکر نموده که‏ کمتر خبری به قوت سند او می‏رسد؛ و عبارت او در این مقام چنین ‏است: خبر داد مرا فقیه اجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی از فقیه عماد محمد بن ابی القاسم الطبری از ابی علی از پدرش محمدبن الحسن (شیخ طوسی) از شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابی‏القاسم جعفر بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی از علی بن‏ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ابی القاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری از ابی محمد حسن بن علی العسکری از پدرش ‏«امام هادی (ع) » و این سلسله شریفه همه از اعیان علما و شیوخ ‏طائفه و روسای مذهب‏اند و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان‏بن سعید هر دو از نواب امام عصر (ع) هستند و بعد از تامل معلوم‏ می‏شود که در تمام زیارات ماثوره زیارتی به این وجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی‏شود.»
محتوای زیارت درباره فرهنگ غدیر و زندگی شکوهمند امام‏ علی (ع) است و موارد زیر از محورهای مهم آن شمرده می‏شود؛ بدین‏ جهت، اندکی بر ساحل آن درنگ کرده، و روان خویش را از جام روح ‏افزای آن شادابی می‏بخشیم:

**فضائل امام علی در قرآن**
در زیارت غدیر از آیه ولایت‏ یاد شده است که می‏فرماید:
 **(انما ولیکم ‏الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویوتون الزکاه و هم راکعون و من یتول‏ الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب ‏الله هم الغالبون.)**
سرپرست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان‏ آورده ‏اند، همانها که نماز برپا می‏دارند، و در حال رکوع زکات‏ می‏دهند؛ و کسانی که ولایت ‏خدا و پیامبرش و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند، زیرا حزب و جمعیت ‏خدا پیروز است.
مفسران اهل سنت و شیعه در شان نزول این آیه به نقل از ابوذر چنین می‏نویسند: ابوذر گفت: من به دو چشم خویش دیدم و به دو گوش ‏خود شنیدم و چنانچه خلاف آن را نقل کنم، نابینا و ناشنوا گردم.
که پیامبر (ص) فرمود:
**علیّ قائد البرره و قاتل الکفره و منصور من نصره و مخذول من‏ خذله**؛ علی پیشوای نیکان و قاتل کافران است. هر کس او را یاری‏کند، از ناحیه خداوند یاری می‏شود و هر کس او را تنها بگذارد، خدا او را خوار می‏سازد.
بدانید من روزی نماز ظهر را با پیامبر (ص) خواندم. فقیری کمک ‏خواست؛ اما کسی چیزی به او نداد. در این حال سائل دست های خویش ‏را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد پیامبر (ص) کمک خواستم اما کسی به من کمک نکرد.
علی (ع) که در حال رکوع بود و انگشتر در دست راست‏خویش‏داشت. به سائل اشاره کرد. سائل به سوی حضرت رفت و خاتم ازانگشتر حضرت بر گرفت. رسول گرامی اسلام که این منظره رامشاهده کرده بود.- پس از نماز خویش دست‏به دعا برداشت و فرمود:
خدایا، موسی از تو خواستار شرح صدر وآسانی کار و باز شدن گره‏زبان خویش برای فهماندن کلامش شد و از تو واست‏برادرش هارون راوزیر و پشتیبان و شریک درکارش قرار دهی و تو در پاسخ او فرمودی: **(سنشد عضدک باخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا)** بزودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم و نیرومند می‏کنیم و برای شما سلطه و برتری قرار می‏دهیم و به برکت آیات ما بر شما دست نمی‏یابند.
خدایا، من محمد پیامبر و برگزیده تو هستم. خدایا، به من سعه ‏صدر و آسانی در کار عطا کن و علی را که از اهل من است، وزیر و پشتیبان من قرار بده.
پس سوگند به خدا هنوز کلام پیامبر (ص) تمام نشده بود که جبرئیل ‏نازل شد و گفت: ای محمد! بخوان: **انما ولیکم‏ الله و رسوله...**
این شان نزول را علاوه بر محدثان و مفسران شیعه بسیاری ازاهل سنت نیز نقل کرده‏اند. نام گروهی از روایان اهل سنت این‏ شان نزول چنین است:
الف) طبری (تفسیرطبری، ج‏6، ص‏165)
ب) واحدی (اسباب النزول، ص‏148)
ج) فخررازی (تفسیر فخررازی، ج‏3، ص‏431)
د) ابن صباغ مالکی (الفصول المهمه، ص‏123)
ه) ابواسحاق ثعلبی (تفسیر ثعلبی، ج‏2، ص‏52)
و) گنجی شافعی (الکفایه، ص‏106)
ز) خوارزمی (مناقب، ص‏178)
ح) ابن حجر (الصواعق، ص‏25)
استحکام این روایت نزد اهل سنت‏ به گونه ‏ای است که فاضل‏ تفتازانی در کتاب شرح المقاصد (ج‏2، ص‏288) و مولی علی قوشچی در شرح تجرید می‏گویند: **انها نزلت‏ باتفاق المفسرین فی علی ابن ابی‏طالب (ع) حین اعطی السائل خاتمه و هو راکع فی صلاته.**
به اتفاق مفسران این آیه در حق علی ابن ابی طالب (ع) نازل‏گردید، زمانی که انگشتری را در حال رکوع به سائل بخشید.
مرحوم علامه امینی شصت و شش سند برای این حدیث ذکر می‏کند که ‏جویندگان می‏توانند به آن مراجعه کنند. حسان در این باره سروده ‏ای دارد که در مدارک اهل سنت نیز نقل‏شده است:
**ایذهب مدحی و المحبین ضایعا و ما المدح فی ذات الاله بضائع**

**فانت الذی اعطیت اذ انت راکع فدتک نفوس القوم یا خیر راکع**

**بخاتمک المیمون یا خیر سید و یا خیر شار ثم یا خیر بایع**

**فانزل فیک ‏الله خیر ولایه و بینها فی محکمات الشرایع**
آیا مدح من و دیگر دوستداران و عاشقان ضایع می‏گردد؟! چنین‏نیست، مدحی که در راه خدا باشد از بین نخواهد رفت. تو بودی ای‏ اباالحسن که در حال رکوع با انگشتری مبارک خود انفاق کردی.
جانهای مردم فدای تو باد ای بهترین رکوع کننده و ای بهترین آقا و خیرخواه و ای بهترین فروشنده «مال خود به خدا».
سپس خدای درباره تو آیه ولایت «انما ولیکم ‏الله‏» را که‏ بهترین ولایت است نازل فرمود و آن را در کتاب آسمانی و آیات‏ روشن خویش بیان کرد.

امام هادی (ع) در نامه‏ای که به اهل اهواز ارسال داشت، ‏بر آنچه‏ در این زیارت درباره آیه ولایت آمده تاکید ورزیده، می‏فرماید:
صحیح‏ترین خبری که قرآن به صحت آن نیز گواهی داده است،‏ حدیثی است‏ که به اتفاق نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود: من دو جانشین و در تعبیر دیگر دو چیز گرانبها برای شما باقی ‏می‏گذارم: کتاب خدا و عترت.
اگر به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نمی‏شوند تا در حوض بر من وارد شوند.
ما شواهد این حدیث را آشکارا در آیه (انما ولیکم ‏الله و رسوله...) می‏بینیم. **«ثم اتفقت روایات العلماء فی ذلک‏ لامیرالمومنین (ع) انه تصدق بخاتمه و هو راکع‏»** سپس روایات ‏دانشمندان به اتفاق بیانگر آن است که این آیه شریف درباره امیرمومنان (ع) نازل شد آن هم زمانی که حضرت در حال رکوع انگشترش را صدقه داد. سپس رسول گرامی آن را به روشنی بیان کرد و فرمود: هرکس من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا، هر کس علی را ولی باشد تو نیز او را ولی باش و هر کس با او دشمن باشد تو نیز او رادشمن باش؛ و در حدیث دیگر می‏فرماید: علی قرضهای مرا پرداخت ‏می‏کند و او بعد از من خلیفه شما است.
از اینها متوجه می‏شویم که قرآن بر درستی این اخبار گواهی‏ داده و امت ‏باید پذیرای آن باشد.

**آیه ولایت و اثبات امامت علوی**قراین زیر نشان می‏دهد مراد از «ولی‏» سرپرست و اولویت درتصرف است.
1- شان نزول آیه
پس از اینکه پیامبر گرامی اسلام از خداوند خواست‏برای اووزیری از اهل خویش همانند هارون وصی حضرت موسی قرار دهد، این‏آیه برای برآوردن این خواسته نازل شد و طبیعی است. آیه وقتی باخواست پیامبر (ص) مطابق است که ولایت‏به معنای سرپرستی و وصایت ‏باشد؛ زیرا در این صورت علی (ع) وزیر رسول خدا خواهد بود وخواسته آن حضرت اجابت‏ شده است.
اگر ولایت‏ به معنای «دوستدار» باشد، با خواست پیامبر هم‏آهنگ نیست.
2- مفرد بودن «ولی‏» و عدم تکرار آن
آیه همان ولایت ‏خدا و پیامبر (ص) را برای صدقه دهنده در حال‏ رکوع نیز اثبات می‏کند؛ زیرا ولی به صورت مفرد آمده و تکراری‏صورت نگرفته است. با توجه به کلمه انما که در کلام عرب بیانگر انحصار است. آیه شریف می‏فهماند که این ولایت در خدا و پیغمبر وشخصی که در حال رکوع صدقه داده، منحصر است؛ و در این صورت جزمعنای سرپرستی و اولیت در تصرف معنایی نخواهد داشت؛ زیرا اگر ولی در آیه به معنای دوست ‏باشد، نادرستی آن روشن است و دوست‏ مردم به این سه منحصر نیست.

**کیفیت انطباق آیه بر امام علی (ع)**
گروهی می‏گویند: چگونه جمله «الذین آمنوا» در آیه ولایت‏ بر امام علی (ع) منطبق می‏شود در حالی که جمع است و نمی‏تواند برای فرد خاص استعمال شود.
در پاسخ به این اشکال گفته ‏اند: «الذین امنوا» جمع است؛ اما برای تعظیم و بیان قدر و جلالت امیرمومنان علی (ع) جمع به کار رفته است.
افزون بر این، در بسیاری از آیات برای فرد خاص جمع به کار رفته. دو نمونه از این آیات عبارت است از:
الف) مفسران در ذیل آیه **«وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا و آخر سیئا عسی ان یتوب علیهم‏»** ؛ و گروهی دیگر به ‏گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند، امید می‏رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد. گفته‏اند آیه مزبور با آنکه جمع است. فقط درباره ابولبابه انصاری نازل شده است.
ب) در آیه **(الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم‏ فزادهم ایمانا)** ؛ آنها که مردم به آنان گفتند مردم برای «حمله ‏به‏» شما اجتماع کرده‏اند، از آنها بترسید. پس بر ایمانشان‏ افزود.
نوشته‏ اند: گوینده این سخن نعیم ابن مسعود اشجعی بود، اما آیه‏ به صورت جمع نازل شده است.
مرحوم علامه امینی بیست آیه ذکر می‏کند که در آنها لفظ جمع برموردی خاص دلالت دارد.
رابطه پرداخت زکات و توجه تام امام علی (ع) در نماز. گروهی نیز گفته‏اند: یکی از مقامات علی (ع) این است که وقت نماز چنان به ذات باریتعالی توجه داشت که هیچ چیز نمی‏توانست او را به خود مشغول سازد و حتی تیر از پای مبارکش بیرون آوردند. دراین صورت چگونه ممکن است‏ به خواست‏ سائل توجه کند و در حال رکوع ‏انگشتر به او دهد؟!
بعضی پاسخ داده ‏اند: شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن‏ توجه به خویشتن نیست ‏بلکه عین توجه به خدا است؛ علی (ع) درحال‏ نماز از خود بیگانه بود نه از خدا؛ به عبارت دیگر، آنچه با روح ‏عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و شخصی‏ است و توجه به آنچه در مسیر رضای خدا است کاملا با روح عبادت‏ سازگار است. معنای غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان‏ بی اختیار احساس خود را از دست ‏بدهد، بلکه با اراده خویش توجه ‏خود را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست ‏بر می‏گیرد.
پاسخ دیگر این است که حالات حضرت به حسب نافله و نماز واجب ‏فرق می‏کرد. در نماز واجب استغراق و حضور و خشوع چنان بود که از همه چیز جز عظمت الهی غافل می‏شد: اما در نماز نافله پرواز روحی‏اش این اوج و معراج را در همه حالات آن نداشته است؛ و ممکن ‏است‏ حضرت در حال نماز نافله صدقه به سائل بخشیده است.
شان نزول و کیفیت نقل آن نیز بر درستی این مساله گواهی ‏می‏دهد؛ زیرا نمازهای واجب به امامت رسول گرامی اسلام خوانده ‏می‏شد و این مجال برای سائل پدید نمی‏آمد که تقاضایش را در حال‏ نماز مطرح کند.
سومین پاسخ که مطلب را بیشتر روشن می‏کند در مطالعه و مشاهده ‏حالات اولیای الهی نهفته است. آنان در سیر و سلوک روحی و میقات‏ الهی خویش گاه چنان بی تاب و محو جمال ربوبی می‏شدند که از همه ‏آنچه در اطرافشان می‏گذشت غافل بودند.
بی خود از شعشه پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد

در حالات حضرت یعقوب پیامبر آمده است: از او پرسیدند: چگونه‏ از پیراهن یوسف جایگاهش را تشخیص دادی اما در چاه کنعان او را ندیدی؟!
یکی پرسید زان گم گشته فرزند که ‏ای روشن ضمیر پیر خردمند

ز مصرش بوی پیراهن شنیدی ولی در چاه کنعانش ندیدی

در جواب گفت: جذبه‏ها و حالات مختلف است و بر این اساس، تجلیات ‏و درخشش‏ها نیز متفاوت.
بگفت احوال ما برق جهان است گهی پیدا گهی در زیر خاک است

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود: **«لی مع ‏الله وقت‏ لا یسعها ملک مقرب و لا نبی مرسل.»**
مرا حالاتی است که هیچ فرشته مقرب الهی و پیامبر مرسلی به آن‏ نرسد.
براین اساس، می‏توان گفت: آن زمان که تیر از پای مبارک‏ علی (ع) بیرون آورده می‏شد و حضرت هیچ التفاتی به آن نداشت، به ‏اوج این پرواز و قله متعالی فنای فی‏ الله مربوط است. اما زمانی‏که به سائل توجه می‏کند، در حالی است که این پرواز و معراج روحی ‏در آن اوج نیست.
البته دست ما خاکیان از سفر روحانی و درک شیوه و توجه تام ‏حضرت به باری تعالی کوتاه است و آن بزرگواران چنان است که خود فرمود: «لا یرقی الی الطیر» هیچ تیز پروازی بر ستیغ و بلندای ‏دانش و معنویت من دست نمی‏یابد.

**مبالغه در قیمت انگشتر**
انفاق انگشتر به وسیله امیر مومنان (ع) با حقایق تاریخی که ‏در منابع اسلامی فریقین وارد شده است، اثبات می‏شود. البته دراین میان پیرایه‏هایی است که باید آن را از واقعیت این رخداد جدا ساخت. از آن جمله مبالغه‏ هایی است که در قیمت انگشتر شده‏ است. گروهی بهای آن را معادل خراج و مالیات شام ذکر کرده‏اند.
این قیمت‏ به دلایل زیر نمی‏تواند اساس درستی داشته باشد.
1- مستند این تخمین ضعیف است و در روایات معتبر و صحیحی که‏ در شان نزول ذکر شده، اثری از آن دیده نمی‏شود.
2- مطالعه در حالات و زندگی حضرت بیانگر آن است که حضرت از اموال نفیس و گران بها استفاده نمی‏کرد. آنچه در روایات مورد اتفاق و معتبر آمده این است که «و کان یتختم بها» ؛ حضرت‏ همواره از این انگشتر استفاده می‏کرد. بی تردید اگر انگشتر از نظر ارزش در سطح بالایی بود، حضرت به صورت مستمر از آن استفاده‏ نمی‏کرد آن‏هم با موقعیت طاقت فرسای مسلمین در مدینه. این سخنان‏در قیمت انگشتر در ملاک ارزش بودن جاذبه‏های مادی ریشه دارد.
آنچه در این فضلیت، شخصیت امام علی (ع) را آشکار می‏سازد، اخلاص و ایثار در راه خداست نه ارزش مادی انگشتر. این روح عبودیت است ‏که کار نیک را به سوی خدا رهنمون می‏کند و موجب نزول آیات حق‏ می‏گردد.
دراین زمینه، آیات دیگری نیز مورد استناد امام هادی (ع) قرارگرفته است که به ضمیمه محورهای چهارگانه دیگر در آینده پی‏ خواهیم گرفت. بدان امید که همچنان از کوثر «غدیر ولایت‏» سیراب ‏و شاداب بوده، ولایت علوی روشنی بخش دل و جانمان باشد.

منبع: پایگاه سبطین